

و اگر کنفرانس‌های مان را هم در نظر بگیریم، با شصت هفتاد نفر از فضای برجسته مرتبط شده‌ایم که مقاله می‌دهند و فعالیت می‌کنند. کم‌تر از صد نفر هستند که البته نیروهای بسیار برجسته و خیلی خوب حوزه قم هستند؛ اما «حوزه» هنوز پای کار نیامده و این مطالبه‌ای است که ما از حوزویان داریم. ورود دانشگاه خیلی بیشتر از حوزه بوده و بعضی از دانشگاه‌ها مرتبط شده و کار را شروع کرده‌اند. انگیزه‌ها خیلی مهم است و حوزه خراسان اکنون هم انگیزه دارد و هم استقلال؛ بنابراین نباید معطل شد

در هر دانشگاه و حوزه و پژوهشگاهی حول یک شخصیت علمی تشکیل می‌شود و اگر این حلقه‌ها به تعداد مشخصی برسند، می‌توانند کانونی درست کنند و مباحث را وسعت دهند و از حمایت‌های ما هم استفاده کنند. این‌ها به وسیله ارتباطات مجازی و تعاملات علمی و جلسات مجازی شکل می‌گیرد. حضور فضلا و بزرگان صاحب‌درس در اندیشه‌ها می‌تواند مفید باشد؛ هم برای اندیشه‌های حوزوی و هم برای بقیه اندیشه‌ها.

یکی از دلایلی که تاکنون نتوانسته‌ایم در مسیر حرکت و پیشرفت کشور خیلی موفق باشیم، این است که گفتمانی در این زمینه نداشته‌ایم؛ یعنی عزم و اراده و دل‌بستگی مبتنی بر مباحث حساب‌شده فکری وجود نداشته است. در نتیجه سندهایی که تهیه شده هم فقط ضمانت حقوقی داشته و یک دولت یا مجلسی که آن را تهیه کرده، عوض شده و رفته است! این است که در این جا به عنوان یک هدف، قید شده که نخبگان باید نسبت به پیشرفت کشور، تعصبی مبتنی بر آگاهی پیدا کنند.

تقریباً در تمام این ۲۸ اندیشه‌های که داریم، از حوزه و فضایی حوزوی استفاده می‌کنیم و در اندیشه‌هایی که جایگاه مهم‌تری داشته‌اند، بزرگواران حوزه و مدرسان برجسته حوزوی عضویت دارند. در حوزه‌های عملیاتی‌تر نیز افرادی وجود دارند که از نظر مدیریتی برجسته‌اند و تعدادی هم از میان جوانانی هستند که نسبت به سن و سالشان ممتازترند.

یک نقش اساسی که وظیفه داریم آن را تشویق کنیم، نظریه‌پردازی الگو است. اصولاً غیر از اجزا و مبانی، نظریه پیشرفت اسلامی و ایرانی چیست؟ چگونه باید حرکت کنیم؟ نیروهای اصلی ما چیست؟ و به چه مرحله‌ای باید برسیم؟ این‌ها مباحثی است که ارتباط زیادی با معارف و علوم اسلامی دارد و نظریه پیشرفت باید هم از دانشگاه بیرون بیاید و هم از حوزه.

بحث‌های چالشی و جدی حوزوی و دانشگاهی

بحث‌های جدی علمی حوزوی و دانشگاهی خیلی شکل نگرفته است. علتش این است که امثال ما که از دانشگاه به این بحث‌ها دامن زده‌اند، علاقه و سنجیتی با حوزه داشته‌اند و به همین دلیل، فعلاً چالش جدی ایجاد نشده! اما کسانی که قدری از این فضا دورند، هر چند مسلمان باشند، ممکن است آن چه می‌گوییم اسلامی است را بپذیرند و اجرا کنند؛ ولی آن تعلق خاطر را نداشته باشند. مثلاً در اندیشه علم، علمای درجه یک علوم پایه، مثلاً دانشمندان مطرح فیزیک را آورده‌ایم و با فضایی حوزوی، بحث‌های جدی و صادقانه‌ای شکل می‌گیرد که بی‌سابقه است. چالش‌های جدی مطرح می‌شود که امیدواریم به نتیجه برسد و برای هر دو طرف مفید باشد.

گفتمان نداشته‌ایم...

هدف مرکز این است که گفتمان پیشرفت را بیش‌تر ترویج کند و این گفتمان را هم از زبان متخصصان فن این گونه تعریف کرده‌ایم: «فکری که بُعد اجتماعی پیدا می‌کند؛ یعنی تبلیغات به معنای اصطلاح آن نیست؛ بلکه ابلاغ به معنای اسلامی آن است که باید همراه با یک محتوای علمی و فکری باشد. اما اگر این تنها در کلاس و مدرسه بحث شود، تبدیل به گفتمان نمی‌شود؛ بلکه باید در فضای اجتماعی مطرح شود و دل‌بستگی هم نسبت به آن ایجاد شود، یعنی روح انسان با آن درگیر شود و نسبت به آن تعصبی ایجاد شود.



و فکر می‌کنم در قدم اول باید در این حوزه حلقه‌های علمی را تشکیل داد.

خراسان بی نظیر

خراسان در طول تاریخ بی نظیر بوده است؛ در عالم اسلام، جایی نداریم که به اندازه خراسان بزرگ و شرق ایران، این قدر عالم داشته باشد. خودم مشهودی هستم و البته این تعصب نیست! این سخت‌کوشی فکری و تیزهوشی، چیزی است که خدا در این جا به ودیعه گذاشته و در علوم مختلف بزرگان زیادی داشته‌ایم. در تاریخ که نگاه می‌کنیم، غزالی، شیخ طوسی، فردوسی، بوعلی، خواجه نصیر و اِلِی‌ماشاءالله... هیچ نقطه ایران این گونه نیست! شاید در خخش علی‌ابن موسی‌الرضا (ع) در خراسان، مثل خورشیدی است که نماد این همه ستاره‌های بزرگ در آن خطه است.

حوزه پای کار نیست!

ما می‌توانیم برای دانشگاه‌ها برنامه بریزیم، اما اختیارات عرصه حوزوی را به خود حوزویان داده‌ایم. بنابراین یک دبیرخانه حوزوی تأسیس کرده‌ایم به عنوان یک شعبه حوزوی که معاون پژوهشی حوزه هم در آن حضور دارد. اما حتی ظرفیت حوزه علمی هم را هم هنوز نتوانسته‌ایم فعال کنیم! هم‌اکنون با سی‌چهل نفر

تشکیل حلقه‌های فکری پیشرفت

حوزه خراسان می‌تواند در گفتمان‌سازی پیش‌قدم باشد و مثلاً حلقه‌هایی تشکیل دهد که از نظر ما هم رسمیت داشته باشد و از نتایج کارشان استفاده کنیم. مثلاً جا دارد یک حلقه فکری با موضوع «گفتمان پیشرفت» در این حوزه تشکیل شود. ضوابط تشکیل حلقه‌ها و کانون‌ها تهیه شده است که

ما می‌توانیم برای دانشگاه‌ها برنامه بریزیم، اما اختیارات عرصه حوزوی را به خود حوزویان در یک دبیرخانه حوزوی داده‌ایم... اما حتی ظرفیت حوزه علمی هم را هم هنوز نتوانسته‌ایم فعال کنیم!

بحث‌های جدی علمی حوزوی و دانشگاهی خیلی شکل نگرفته است. علتش این است که امثال ما که از دانشگاه به این بحث‌ها دامن زده‌اند، علاقه و سنجیتی با حوزه نداشته‌اند و به همین دلیل، فعلاً چالش جدی ایجاد نشده...